

مشکاتنا اصحاح

۲۹۶

درم و سالیانه  
 درم و سالیانه  
 درم و سالیانه

درم و سالیانه  
 درم و سالیانه  
 درم و سالیانه

ورق ٥٥ ورق ٥٤ ورق ٥٣ ورق ٥٢ ورق ٥١ ورق ٥٠ ورق ٤٩ ورق ٤٨ ورق ٤٧ ورق ٤٦ ورق ٤٥ ورق ٤٤ ورق ٤٣ ورق ٤٢ ورق ٤١ ورق ٤٠ ورق ٣٩ ورق ٣٨ ورق ٣٧ ورق ٣٦ ورق ٣٥ ورق ٣٤ ورق ٣٣ ورق ٣٢ ورق ٣١ ورق ٣٠ ورق ٢٩ ورق ٢٨ ورق ٢٧ ورق ٢٦ ورق ٢٥ ورق ٢٤ ورق ٢٣ ورق ٢٢ ورق ٢١ ورق ٢٠ ورق ١٩ ورق ١٨ ورق ١٧ ورق ١٦ ورق ١٥ ورق ١٤ ورق ١٣ ورق ١٢ ورق ١١ ورق ١٠ ورق ٩ ورق ٨ ورق ٧ ورق ٦ ورق ٥ ورق ٤ ورق ٣ ورق ٢ ورق ١ ورق

# اب الایمان الکبیر الوسوسة الایمان بالقدر

اشیاء عذاب القبر الاعتصام بالكتاب والمسننة العلم

انا الطهارة آداب الذل وبقائه للجن الشی

وینارة ذیة للذی الثالث  
باب السواک

١  
٥٨ ورق من  
ادب الخلاص  
بیت عماد

اجزاء و زج  
سکون و لا بد  
اسم و اول  
و المعانی  
النبیال  
تتبع

٥٧٥  
٥٧٤  
٥٧٣  
٥٧٢  
٥٧١  
٥٧٠  
٥٦٩  
٥٦٨  
٥٦٧  
٥٦٦  
٥٦٥  
٥٦٤  
٥٦٣  
٥٦٢  
٥٦١  
٥٦٠  
٥٥٩  
٥٥٨  
٥٥٧  
٥٥٦  
٥٥٥  
٥٥٤  
٥٥٣  
٥٥٢  
٥٥١  
٥٥٠  
٥٤٩  
٥٤٨  
٥٤٧  
٥٤٦  
٥٤٥  
٥٤٤  
٥٤٣  
٥٤٢  
٥٤١  
٥٤٠  
٥٣٩  
٥٣٨  
٥٣٧  
٥٣٦  
٥٣٥  
٥٣٤  
٥٣٣  
٥٣٢  
٥٣١  
٥٣٠  
٥٢٩  
٥٢٨  
٥٢٧  
٥٢٦  
٥٢٥  
٥٢٤  
٥٢٣  
٥٢٢  
٥٢١  
٥٢٠  
٥١٩  
٥١٨  
٥١٧  
٥١٦  
٥١٥  
٥١٤  
٥١٣  
٥١٢  
٥١١  
٥١٠  
٥٠٩  
٥٠٨  
٥٠٧  
٥٠٦  
٥٠٥  
٥٠٤  
٥٠٣  
٥٠٢  
٥٠١  
٥٠٠  
٤٩٩  
٤٩٨  
٤٩٧  
٤٩٦  
٤٩٥  
٤٩٤  
٤٩٣  
٤٩٢  
٤٩١  
٤٩٠  
٤٨٩  
٤٨٨  
٤٨٧  
٤٨٦  
٤٨٥  
٤٨٤  
٤٨٣  
٤٨٢  
٤٨١  
٤٨٠  
٤٧٩  
٤٧٨  
٤٧٧  
٤٧٦  
٤٧٥  
٤٧٤  
٤٧٣  
٤٧٢  
٤٧١  
٤٧٠  
٤٦٩  
٤٦٨  
٤٦٧  
٤٦٦  
٤٦٥  
٤٦٤  
٤٦٣  
٤٦٢  
٤٦١  
٤٦٠  
٤٥٩  
٤٥٨  
٤٥٧  
٤٥٦  
٤٥٥  
٤٥٤  
٤٥٣  
٤٥٢  
٤٥١  
٤٥٠  
٤٤٩  
٤٤٨  
٤٤٧  
٤٤٦  
٤٤٥  
٤٤٤  
٤٤٣  
٤٤٢  
٤٤١  
٤٤٠  
٤٣٩  
٤٣٨  
٤٣٧  
٤٣٦  
٤٣٥  
٤٣٤  
٤٣٣  
٤٣٢  
٤٣١  
٤٣٠  
٤٢٩  
٤٢٨  
٤٢٧  
٤٢٦  
٤٢٥  
٤٢٤  
٤٢٣  
٤٢٢  
٤٢١  
٤٢٠  
٤١٩  
٤١٨  
٤١٧  
٤١٦  
٤١٥  
٤١٤  
٤١٣  
٤١٢  
٤١١  
٤١٠  
٤٠٩  
٤٠٨  
٤٠٧  
٤٠٦  
٤٠٥  
٤٠٤  
٤٠٣  
٤٠٢  
٤٠١  
٤٠٠  
٣٩٩  
٣٩٨  
٣٩٧  
٣٩٦  
٣٩٥  
٣٩٤  
٣٩٣  
٣٩٢  
٣٩١  
٣٩٠  
٣٨٩  
٣٨٨  
٣٨٧  
٣٨٦  
٣٨٥  
٣٨٤  
٣٨٣  
٣٨٢  
٣٨١  
٣٨٠  
٣٧٩  
٣٧٨  
٣٧٧  
٣٧٦  
٣٧٥  
٣٧٤  
٣٧٣  
٣٧٢  
٣٧١  
٣٧٠  
٣٦٩  
٣٦٨  
٣٦٧  
٣٦٦  
٣٦٥  
٣٦٤  
٣٦٣  
٣٦٢  
٣٦١  
٣٦٠  
٣٥٩  
٣٥٨  
٣٥٧  
٣٥٦  
٣٥٥  
٣٥٤  
٣٥٣  
٣٥٢  
٣٥١  
٣٥٠  
٣٤٩  
٣٤٨  
٣٤٧  
٣٤٦  
٣٤٥  
٣٤٤  
٣٤٣  
٣٤٢  
٣٤١  
٣٤٠  
٣٣٩  
٣٣٨  
٣٣٧  
٣٣٦  
٣٣٥  
٣٣٤  
٣٣٣  
٣٣٢  
٣٣١  
٣٣٠  
٣٢٩  
٣٢٨  
٣٢٧  
٣٢٦  
٣٢٥  
٣٢٤  
٣٢٣  
٣٢٢  
٣٢١  
٣٢٠  
٣١٩  
٣١٨  
٣١٧  
٣١٦  
٣١٥  
٣١٤  
٣١٣  
٣١٢  
٣١١  
٣١٠  
٣٠٩  
٣٠٨  
٣٠٧  
٣٠٦  
٣٠٥  
٣٠٤  
٣٠٣  
٣٠٢  
٣٠١  
٣٠٠  
٢٩٩  
٢٩٨  
٢٩٧  
٢٩٦  
٢٩٥  
٢٩٤  
٢٩٣  
٢٩٢  
٢٩١  
٢٩٠  
٢٨٩  
٢٨٨  
٢٨٧  
٢٨٦  
٢٨٥  
٢٨٤  
٢٨٣  
٢٨٢  
٢٨١  
٢٨٠  
٢٧٩  
٢٧٨  
٢٧٧  
٢٧٦  
٢٧٥  
٢٧٤  
٢٧٣  
٢٧٢  
٢٧١  
٢٧٠  
٢٦٩  
٢٦٨  
٢٦٧  
٢٦٦  
٢٦٥  
٢٦٤  
٢٦٣  
٢٦٢  
٢٦١  
٢٦٠  
٢٥٩  
٢٥٨  
٢٥٧  
٢٥٦  
٢٥٥  
٢٥٤  
٢٥٣  
٢٥٢  
٢٥١  
٢٥٠  
٢٤٩  
٢٤٨  
٢٤٧  
٢٤٦  
٢٤٥  
٢٤٤  
٢٤٣  
٢٤٢  
٢٤١  
٢٤٠  
٢٣٩  
٢٣٨  
٢٣٧  
٢٣٦  
٢٣٥  
٢٣٤  
٢٣٣  
٢٣٢  
٢٣١  
٢٣٠  
٢٢٩  
٢٢٨  
٢٢٧  
٢٢٦  
٢٢٥  
٢٢٤  
٢٢٣  
٢٢٢  
٢٢١  
٢٢٠  
٢١٩  
٢١٨  
٢١٧  
٢١٦  
٢١٥  
٢١٤  
٢١٣  
٢١٢  
٢١١  
٢١٠  
٢٠٩  
٢٠٨  
٢٠٧  
٢٠٦  
٢٠٥  
٢٠٤  
٢٠٣  
٢٠٢  
٢٠١  
٢٠٠  
١٩٩  
١٩٨  
١٩٧  
١٩٦  
١٩٥  
١٩٤  
١٩٣  
١٩٢  
١٩١  
١٩٠  
١٨٩  
١٨٨  
١٨٧  
١٨٦  
١٨٥  
١٨٤  
١٨٣  
١٨٢  
١٨١  
١٨٠  
١٧٩  
١٧٨  
١٧٧  
١٧٦  
١٧٥  
١٧٤  
١٧٣  
١٧٢  
١٧١  
١٧٠  
١٦٩  
١٦٨  
١٦٧  
١٦٦  
١٦٥  
١٦٤  
١٦٣  
١٦٢  
١٦١  
١٦٠  
١٥٩  
١٥٨  
١٥٧  
١٥٦  
١٥٥  
١٥٤  
١٥٣  
١٥٢  
١٥١  
١٥٠  
١٤٩  
١٤٨  
١٤٧  
١٤٦  
١٤٥  
١٤٤  
١٤٣  
١٤٢  
١٤١  
١٤٠  
١٣٩  
١٣٨  
١٣٧  
١٣٦  
١٣٥  
١٣٤  
١٣٣  
١٣٢  
١٣١  
١٣٠  
١٢٩  
١٢٨  
١٢٧  
١٢٦  
١٢٥  
١٢٤  
١٢٣  
١٢٢  
١٢١  
١٢٠  
١١٩  
١١٨  
١١٧  
١١٦  
١١٥  
١١٤  
١١٣  
١١٢  
١١١  
١١٠  
١٠٩  
١٠٨  
١٠٧  
١٠٦  
١٠٥  
١٠٤  
١٠٣  
١٠٢  
١٠١  
١٠٠  
٩٩  
٩٨  
٩٧  
٩٦  
٩٥  
٩٤  
٩٣  
٩٢  
٩١  
٩٠  
٨٩  
٨٨  
٨٧  
٨٦  
٨٥  
٨٤  
٨٣  
٨٢  
٨١  
٨٠  
٧٩  
٧٨  
٧٧  
٧٦  
٧٥  
٧٤  
٧٣  
٧٢  
٧١  
٧٠  
٦٩  
٦٨  
٦٧  
٦٦  
٦٥  
٦٤  
٦٣  
٦٢  
٦١  
٦٠  
٥٩  
٥٨  
٥٧  
٥٦  
٥٥  
٥٤  
٥٣  
٥٢  
٥١  
٥٠  
٤٩  
٤٨  
٤٧  
٤٦  
٤٥  
٤٤  
٤٣  
٤٢  
٤١  
٤٠  
٣٩  
٣٨  
٣٧  
٣٦  
٣٥  
٣٤  
٣٣  
٣٢  
٣١  
٣٠  
٢٩  
٢٨  
٢٧  
٢٦  
٢٥  
٢٤  
٢٣  
٢٢  
٢١  
٢٠  
١٩  
١٨  
١٧  
١٦  
١٥  
١٤  
١٣  
١٢  
١١  
١٠  
٩  
٨  
٧  
٦  
٥  
٤  
٣  
٢  
١

اوست الذي بعث وطريق الایمان قد عشتا نارا ان رسول فرستاد  
 خدا بتعالی او را و آن حال را هساد ایمان تحقیق نابدید بود  
 اثر ما دان راهها و خجبتا توام ها و پیغمبره بود و شنا بیها ان راهها  
 و وعشتا رکا محصوست شده بود جو انبیا ان راهها و جهله مکاها  
 و تا معلوم بود محصوست طریق ایمان شدید صلوات الله و سلامه علیه  
 راهها محمد نبی صلی الله علیه و سلم من عالمها  
 راهها اجرنا بدید شد بود شفی من العلیل  
 حجت کفر فی تاینکه کلمة الترحید در استوار کردن  
 حجت در دل خویش من کان علی شفا هر من یضی تا که مرف بود  
 که دا ضحیح سسل الهدایة و روش کردن بنی علیه الصلوة  
 و السلام راه هدایة المؤمنان ان بسلکها برای هر کسی که خواست  
 که در و دران راهها و اظهر لنور السعادة و سلا کرد الخفة  
 کنجها و نیک کنی المؤمن قصدان بملکها برای کسی که قصد کرد آنک  
 تا کشدن ان کنجها را اما بعد هر چونکه باشد بعد از جهله و خا پرده  
 و کار و صلوات الله رسول او علیه الصلوة و السلام بر انزرا راهی  
 و اون پر و حدایت بر وجود رو کار و بوضو رسول او علیه الصلوة  
 و السلام تا که تمسک بهدیه سس شک کردن بر روش طریق ان نبی علیه  
 الصلوة و السلام لایستت بدیر نمیشود الا بالامعاء لما صدر من شکرته  
 مکره بر روی کردن انچ پیدا شده است از سینه ان نبی علیه الصلوة  
 و السلام و الاعتصام بحبل الله و کفک کردن بر سن نبی نیا  
 گرفتن بسلیمه و بن خدا بتعالی الایمان کشف تمام نمیشود مکره

بعد محمد و داشته بود آن امام مجبی السنته آخرت است **و از این خبر**  
**مفسر و مفسر** پس روضی که در حدیث آمده است که کمان از الزام و کمال  
 عرفان **و از این خبر** که در حدیث آمده است که کمان از الزام و کمال  
 استوار تر و **نشان از حق** و قوی و ثابت در دین **پس از این**  
**در حدیث** پس در حدیث آمده است که کمان از الزام و کمال  
**پس از این** و **نشان از حق** و قوی و ثابت در دین  
**و از این خبر** که در حدیث آمده است که کمان از الزام و کمال  
 و **نشان از حق** و قوی و ثابت در دین  
**و از این خبر** که در حدیث آمده است که کمان از الزام و کمال  
 و **نشان از حق** و قوی و ثابت در دین  
**و از این خبر** که در حدیث آمده است که کمان از الزام و کمال  
 و **نشان از حق** و قوی و ثابت در دین  
**و از این خبر** که در حدیث آمده است که کمان از الزام و کمال  
 و **نشان از حق** و قوی و ثابت در دین  
**و از این خبر** که در حدیث آمده است که کمان از الزام و کمال  
 و **نشان از حق** و قوی و ثابت در دین  
**و از این خبر** که در حدیث آمده است که کمان از الزام و کمال  
 و **نشان از حق** و قوی و ثابت در دین  
**و از این خبر** که در حدیث آمده است که کمان از الزام و کمال  
 و **نشان از حق** و قوی و ثابت در دین

۴۱

مفهوم و در این باب **الغدا** و بسند و کرم با استناد آنقدر است که اگر چه  
امام و اگر چه مشهورند بودند اسناد آنقدر است اما آن دیگر از نیز از  
تحت آن که در هر دو این دو عالم دور و آنه کردن حدیث **لا ینبأ انزل**  
**قرآن** و فصل دوم حدیث از آنجا که آنقدر است  
هر دو امام **و انما انزلنا القرآن علی قلبه**  
**مع صفا و طه علی الشریفة** و فصل سوم در بیان  
بسیار است معنی آن تفاوت آن با او است و آن حدیث است که  
بر قول امام مجتبی السید **ما کما حفظت بر او ای که در روایت**  
**تکرار می شود** و اگر چه حدیث است اسناد حدیث  
سقوط در بی اسناد و از این جهت که شکر **قرآن از مقدس ترین**  
**و اقدس ترین است** اگر کسی تو حیدر علی ان یعنی بیای و  
در بابی محدود محدود می آید تا باقی تو از تکرار بودن آن حدیث  
که هر کداشته ایم آنقدر است **ان در حدیث آن حدیث است**  
**علی انزلنا ما انزلنا الله فانه حق و انما انزلناه انزلنا**  
**و الحقد** و اگر بیای آن حدیث تکرار و فرموده کداشته بنا بر  
اختصار آن حدیث **بابه ای** یاد می که سوخته است بدین حدیث  
آنقدر تمام آن حدیث است تکرار کردن و زیاد به سوخته از سبب  
تجدید است تکرار حکم آن حدیث او زیاد در می آید آن حدیث را  
**و انظر علی انزلنا انزلنا انزلنا انزلنا انزلنا**  
**اول و در هر دو عالم** و اگر بیای و مطلع شوی بر اختلاف  
مواضع و فصل بعدی از دو روایت حدیث غیر متعارف و مسلم در اصل

و انصرا كما ملكه ملاذ في نفسه و وادراست نماید و از اهری را  
 و سده **در اولی و الثانی و الثانی و الثانی** بقدر الخیر و الثانی  
 و هم نفسی و در میزان اعلیٰ توانایی خود را در کار و ادراست  
 بدانند و در فراخی بود توانایی و ثقل و ذکر **اختلاف**  
**در ظاهر و در باطن** و **در ظاهر و در باطن**  
 مثل کردیم این اختلاف را چنانکه باقیم و در باطن  
 در هر دو علی السنه و در ظاهر و در باطن امام ابو موسی و در ظاهر  
 ماد غریب است و در باطن ضعیف و غریب است و در ظاهر  
 در حال **و ما لیس فی السنه و ما لیس فی السنه**  
**در ظاهر و در باطن** و آنچه اشاره نکردیم با حق السنه نسوی از آن  
 بقدر احوال است پس تحقیق بر روی کردیم آن امام را در نزد  
 آن مکرر ای چند برای حصول وجهی و در **بعضی و بعضی** و **بعضی و بعضی**  
**در ظاهر و در باطن** و در ظاهر و در باطن و در ظاهر و در باطن  
 عمل کرده و گذشته شده و آنرا از جهت آنست که چندی که مادیده و در ظاهر  
 و باقیم بر او تعدد است یعنی سر ترک کردیم و کذا استیم و باقیم  
 و آن **در ظاهر و در باطن** و **در ظاهر و در باطن** و **در ظاهر و در باطن**  
 در استاد پس برهان که استاد را در حدیث تا آنکه در حدیث  
 با دانشی و در **در ظاهر و در باطن** و **در ظاهر و در باطن**  
 طاقتان بر اقسام **در ظاهر و در باطن** و **در ظاهر و در باطن**  
**در ظاهر و در باطن** و **در ظاهر و در باطن** و **در ظاهر و در باطن**  
 و باقی بر صاری که در ظاهر و در باطن و در ظاهر و در باطن از

پنجاه نفر **منه** **از اهل بیت علی بن ابی طالب بود و از آنها در قطع نیش اول**  
**شدند تا امر انور غفلت از هر بر خطا رضوان عند ربی گفتند**  
 که خود با ناز و سوا خدا و صلی الله علیه و آله و سلم در دنیا نگاه در آمد بر امری  
 که سخت سبید و عذاب و بی **مردن سوار انصهر** و تحت حیاه  
**فدای انور** نمی خواند شد بر روی اشو  
 و بی سناختن احدی که از این امر می مطلع باشد  
**آن مرد پیش بی خطا الله علیه و سلم مشرف نشد**  
**آن مرد و سجاد هر روز آنی خود پیش نزدیک زانو بی حضور در سجده**  
**سجود و دعا می خواند و سجاد هر دو کف دست خویش**  
**از آن بزرگواران است که در آن وقت از آن بزرگواران گفتند**  
**خبرد سواران حقیقت اسلام حال انانسلام بان اهدان فالدائم گفت**  
 تو خطا الله علیه و سلم که حقیقت اسلام آنست که گواهی دهی تو بر آنکه نیست  
 هیچ خطایی جز برای حق که او کیاست **سجده نوازش** و گواهی می  
 تو بر آنکه بدست خود حق می ستاده و بر کو بر دست خداست حق تویم **حاصل**  
 و مبادی داری نماز پنج وقت را که فرضه است **توبه الزکوة** و ادای  
 از کوفه فرضه را که ربع عشر است بعد از گذشتن تمام سال **صوم**  
 و دوره داری تمام ماه رمضان را **سجده نوازش** **سجده نوازش**  
 و ادای حق و پاره خانه کعبه را اگر توانا نی باشی برای راه حج یعنی نادر راه  
 و نوره مشی با مرکب و اسن راه **فلا صدقة** گفت تا اینکه دست گفتی  
**فلا صدقة الا انما لله ولا صدقة** گفت عرض من سگفت که در مامر از سبک  
 از رسیدن او و صدق کردن که می برسد بی او و باور صدق او



5

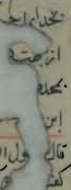
که بر توبه و درازی میکنند در بنیاد و بناها بلند ساختند **متفق**  
**میکند** ایشان بر وقت سابقه درنگ کردند بنی علی السلام یک جنبه  
**گزارانید** یا قریب **السلام** الله العزیز و غیره صلوات الله علیه و سلم مر آنکه  
 ای عمر چه زود عدلی که این سبیل است که بود **نشد** **مستور** **سرم**  
 بود اما من مشایخ **ابو العباس** **ابو جبرئیل** **ابو اسحاق** **ابو سلیمان**  
 الله علیه و سلم پس در سنی که او حریص علی السلام  
 بر نمائند یا موزانند شمار از بن نماز **و مسلم** **روایت**  
 و حدیث طحانم **ابو الحزین** **سلم بن عمار** **قتیر بن ذریه** **ابو حمزه**  
**تخلی** **روایت** کرد این حدیث ابو هریره از ابو عبد الله محمد بن  
 یحییٰ البخاری **التخلی** **ابو ابراهیم** **ابو اذین** **ابو سنان**  
**الذکری** **ابو سنان** **ابو ذریه** **روایت** ابومریم جاست که چون بر بنی  
 یوسفه بیاورد برهنه کانرا کانرا **ابو انسا** **ابو یوسف** **ابو ابراهیم** **ابو یوسف**  
 درین بلای کاره اوست **قرب** **قیمت** **است** **فی** **جبرئیل** **سری** **السلام**  
**ابو حبه** **در** **بی** **جبرئیل** **کسی** **نمی** **داند** **از** **بی** **جبرئیل** **جبرئیل** **عزیز** **علی** **علی** **علی**  
**ابو حبه** **الم** **الثانیه** **و** **بنی** **العینه** **متفق** **که** **لا** **دار** **از** **ابو** **المنذر**  
 که اگر از الله صند علم الساعة و نزول الغیث و علو ما فی الارحام  
 نامور این حدیث متفق علی التواتر است **ابو** **ابو** **ابو** **ابو** **ابو** **ابو** **ابو** **ابو** **ابو** **ابو**  
**عمار** **حمزه** **صالح** **التی** **ابو** **سنان** **ابو** **سنان** **ابو** **سنان** **ابو** **سنان** **ابو** **سنان**  
**ایمان** **ست** **و** **خواهد** **کرد** **در** **من** **شمعی** **معنی** **اشیده** **ام** **از** **ابو** **ابو** **ابو**  
**کی** **خواهد** **داری** **دند** **من** **جاسط** **است** **چه** **خواهد** **داری** **می** **داری** **کردی**  
**کرد** **بودم** **نمی** **داید** **خواهم** **کرد** **و** **مولا** **من** **میدانم** **که** **جاست** **مکون** **در** **کدام**

ابن عرب بن رضی اللہ عنہ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم نقلت  
انزل امیرین رضی اللہ عنہم کفت ابورہیع کفت ابوہریرہ کفرہ  
رسول خدای صلی اللہ علیہ وسلم الایمان بضع وسبعون شعبه  
ایمان هفتاد و چند شاخہ است فان فضلها قول لا اله الا الله بس  
فاضلہ است  
لها کفن کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله  
وبدل تصدیق نماید و ادناها امامة لا  
ذی  
نیزین شعبها دایمان دو کردن مرجع است  
ایمان و بیاد شبعه من الایمان و شرم داشتن در همه باب  
شست از شعبها و ایمان منفق علیہ ابن حدیث متفق امام  
محمد بن بحاری و امام مسلم است و حق عبدالله بن عمر رضی  
الله عنہما قال قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم نقلت ان عبد  
بن عمر و عاصم بن رضی اللہ عنہما کفت عبدالله کہ فرمود رسول خدای  
صلی اللہ علیہ وسلم کہ المسلم من سلم المسلمون من لسانه و ید  
مسلمان آنکسی است کہ سلامت ما نند مسلمان ترا ذیت زبان است  
او و المهاجر من هجرنا نھی اللہ عنہم ما جرائسی کہ ترک کند آن  
منع کرد خدای تعالی از حد الغف الخاری ابن لفظ صاحب خط است  
و مسلم قال ان رجلا سال النبی صلی اللہ علیہ وسلم ای المسابین خیر  
و یرایت مسلم انت کہ کفت ابن عمر رضی اللہ عنہما کہ تحقیق  
ردی کہ رسول خدا ترا صلی اللہ علیہ وسلم کہ کدام کس از مسلمانان  
محر است قال من سلم المسلمون من لسانه و یدہ کفت بیخبر صلی اللہ  
و سلم کہ محترمین مسلمانان کسی است کہ سلامت ما نند مسلمانان

اصح النسخ  
و من العود ما من النسخ  
①

عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله  
 علیه وسلم نقل است از عباس از عباس بن عبدالمطلب رضی الله  
 عنه گفت عباس که فرمود رسول خدای صلی الله علیه و سلم  
 که ذا قطع الایمان من رضی بالله ربا حیث دلالة ایما تراهر که رضی  
تخدا را و کاسر و بالاسلام دینا و ما رضی شد باسلام  
لله علیه و سلم بر سولا و ما رضی شد  
بر سولا از جهت بی غیر رواه مسلم تفاوت  
ابن مسلم و ابی هریر رضی الله عنه قال  
قال رسول الله صلی علیه و سلم نقل است از ابی هریر رضی الله  
عنه که فرمود رسول خدای صلی الله علیه و سلم که ولدی  
تقر محمدید سو کند بر ان خلق و و که نفس محمدید قدرت است  
لا یسمع فی احد من هذه الامة یهودی و لا نصرانی که نشود مرهم  
که از مزاجه نه یهودی و نه نصرانی ثم یموت و لم یؤمن بالذی  
امر سلت بر بس ببرد در ان حال که ایمان بنا ورده است بد آنجه  
فرستاده شد نام بدان الاکان من اصحاب النار کرا که باشد آنکس  
از یاران دوزخ روایت کرد این حدیث در الامام مسلم و عن ابی  
موسی اشعر قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم نقل است از سید  
موسی اشعری رضی الله عنه گفتا یوموسی که فرمود رسول خدای  
صلی الله علیه و سلم که ثلثة لم اجران سه کس هستند که برای هر کس از ایشان  
ده اجر هست رجل من اهل الکتاب که پیید و آمن بحجی صلی الله علیه  
و سلم اولان مردی از اهل کتاب که ایمان پیدا ورده بر رسول خویش

کرد



10

صدیقی که ثابت بر او و عهد خدا و عهد رسول و عهد  
 و عهد شکی میکند خدا ترا عهد شکستن در حق آنکس  
 بجهت وجه **و انما العاقبة للمتقين** بقایه کرد ما مستان خود پیش امام بخاری و عمرانی  
**اعرابی** یعنی **فصل** و **تعلقات** **و انما العاقبة للمتقين**  
 هر چه که آمد اعرابی پیش رسول صلی علیه  
**و انما العاقبة للمتقين** پس گفت ترا عرابی که دالالت کن  
 چون حجاب بر علی که چون بکنم آنرا عمل اولادیم سر در بهشت  
**و انما العاقبة للمتقين** فرمود صلی السلام که بندگی کنی و برتری  
 و صلصالا و صلحا و شریک مبادی تو بخدای هیچ چیز را  
**و انما العاقبة للمتقين** و برای داری نماز بخانه موعظه **و انما العاقبة للمتقين**  
**و انما العاقبة للمتقين** و دالالتی رکن مکتوب ملا **و انما العاقبة للمتقين** و در وقت  
 داری تمام ماه رمضان **و انما العاقبة للمتقين** **و انما العاقبة للمتقين**  
**و انما العاقبة للمتقين** گفت برای تو سوگند آنخدای که ذات محمد سخت حجت  
 و قدر او سزاوارتر از آنکه بر تو چنین بر او که هر یکم چیزی  
 ازین که فرمودی **و انما العاقبة للمتقين** پس هر گاه که بر گشت ترا اعرابی **و انما العاقبة للمتقين**  
**و انما العاقبة للمتقين** فرمود بیخبر صلی الله علیه و آله **و انما العاقبة للمتقين**  
**و انما العاقبة للمتقين** هر کسی که خوش اید او اندک بگوید بسوی بر روی او اهل حجت  
**و انما العاقبة للمتقين** هر کس که بگوید بسوی او برود **و انما العاقبة للمتقين** این حدیث مستوفی  
 محمد بخاری و امام سلطان **و انما العاقبة للمتقين** **و انما العاقبة للمتقين**  
**و انما العاقبة للمتقين** **و انما العاقبة للمتقين** **و انما العاقبة للمتقين**  
 از سفیدان مرصه است شقی **و انما العاقبة للمتقين** **و انما العاقبة للمتقين** **و انما العاقبة للمتقين**

الربیع

بر طبق اسلام جز این بجا راه دهنده داشتن بر مود علی السلام بهیچ  
 دیگری لازم نیست بر تو مگر آنکه زیاده کنی بر عفت خویش از برای تقرب  
 حجت حق **و اما در حق آنکه زیاده کنی بر عفت خویش از برای تقرب** گفت طحله کلام  
**صلی الله علیه و آله** و گوید که از حق اسلام زکوة دادندست  
 از خدای مرفیق از او مسکینان و سائلان و محتاجان  
 مال تمام از جهت شکرانه آنچه بدان بر احتیاج و  
 نیاز است و شیخ مقرر کرده است **فما امر الله بهما** بر گفت  
 که هیچ دیگری نیست بر طبق اسلام جز این دو به عتق زکوة بعد از  
**و اما از آن قطع** بر مود رسول خدای صلی الله علیه و آله که  
 هیچ بر لازم نیست بر تو مگر آنچه زیاده کنی بر عفت خویش بر تو از  
 زیاده بیایی **و اما از آنکه زیاده کنی بر عفت خویش از برای تقرب**  
 گفت طحله بر بار گشته بر مود سائل و محتاجان که گفت **میکنند عتق از عتق**  
 هیچ زیاده نکنم برین چیزی و هیچ نقصان هم نکنم از این چیزی **و اما از آنکه**  
**صلی الله علیه و آله** بر مود رسول خدای صلی الله  
 علیه و آله که فلاح و بهبودی یافتن بر مود او است گفته است و بر عهد  
 ثابت ماند **منقول علیه** این حدیث تفوق امام محمد بخاری و امام مسلم است  
**و اما از آنکه زیاده کنی بر عفت خویش از برای تقرب**  
 نقلست از عبد الله بن عباس رضی الله عنه مابعد سنی گفت عبد الله که در سنی  
 کرده عبد القیس هر گاه که آمدند سنی عبد القیس و السلام **مال رسول الله**  
**صلی الله علیه و آله** و مود رسول خدای **و اما از آنکه زیاده کنی بر عفت خویش از برای تقرب**  
 صلی الله علیه و آله و گوید ایشان کدام قوت دارند یا قوتی که کدام گروه از حاضرین

**و سیاه مختار** و روزه داشتهن تمام ماه مبارک رمضان بر صبحی و سالم  
 و صمیمی **و لا تعصوا الا ما تم** و نیز امر کرده اند که به صید تخم حصه آنچه  
 از صیمت میباشد برای خدا و رسول و **و لا تقربوا** و باز داشتند  
 علی اسلطان **و لا تقربوا** از استعمال اوند چیزی که در آن  
**و لا تقربوا** و از استعمال آنند که در آنست که از آن  
 استعمال بغیر آن موجب ایام کا و بند برای گناه  
**و لا تقربوا** و نیز آنند شراب است که به غیر طاهر کردند  
 اما این چهار آوند منع فرموده **و لا تعصوا الا ما تم**  
 که گناه دار بدین چیزها را که بدین امور شده ایست در جنوها  
 و کرده شدید و خردید بدین امور و به کسی که  
 بیوفت نماید باشد یعنی هر کس که بدین صلح حاضر نیاسند **منع علی**  
 این حدیث در معنی متفق امام بخاری و ابی اسود است **و عن عبد الله بن**  
**عمر بن الخطاب قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله** نقلت از عماره  
 رضایت رضی الله عنه بدستی گفت عماره که فرمود سوخانی **صلی الله علیه و آله**  
**و سوا عبد الله بن الخطاب** در شرط که کرد اگر دیعوب **صلی الله علیه و آله**  
 فرمود که هر از بار را بر علیه الصلوة و السلام **و قال ابو اسود**  
**یا الله سنیما** عهد و بیعت کنید با من بر آنکه شرک مبارک بجای هیچ  
 چیزی **و لا تقربوا** و در دنیا بکند میان کدی هیچ چیز **و لا تقربوا** و زینا  
 کند هیچ وجه **و لا تقربوا** و یکشید فرزند خود را از من  
 درویشی **و لا تقربوا** و نیز آنند **و لا تقربوا** و مبارک هیچ  
 جنایی را با من نمیکند **و لا تقربوا** و نیز آنند میان دستها شاول میان صابها شما

